

بسم الله الرحمن الرحيم

# خاطرات سازده حمام

جلد سوم

دکتر محمد حسین پاپلی نردی

انتشارات پاپلی- انتشارات کوتمبرک

۱۳۹۸

کتاب خوان های گرامی:

انتشار این اثر و دیگر آثار فرهنگی در اینترنت و شبکه های مجازی بدون پرداخت بهای آن و اجازه رسمی از ناشر باعث لطمه جبران ناپذیر به صنعت نشر و کتاب می باشد و موجب ضمان و دین خواهد بود.

## فهرست مطالب

۵	توس
۱۶	یلدا: «مدرنیته و تعصب» عمق فرهنگ
۶۰	مسگرهای دوره گرد
۹۵	دختر کنیرائی و دختر ارباب
۹۵	کبری و نیلوفر
۱۵۲	بهرام دارابیان معروف به بهرام سیبیل
۱۵۸	خاطرات دانشگاه مشهد
۱۵۸	کنکور و حرکت به مشهد
۱۶۶	دو خاطره از اصفهان
۱۷۰	اولین خانه در مشهد
۱۷۳	اوضاع مشهد در سال ۱۳۴۶
۱۷۹	وضع دانشکده
۲۰۴	امید
۲۱۷	حسینعلی
۲۱۸	کردهای کوچ نشین خراسان
۲۲۶	بیژن
۲۵۵	گل بهار و روضه خوانی
۲۶۶	چاپلوسی برای خان
۲۷۹	کوج
۳۲۱	زاندارمها
۳۳۳	مریضی
۳۳۸	حضور در بیلاق
۳۵۷	دامادی بیژن
۳۶۱	کوج زمستانی
۳۶۵	حمید ترکمن
۳۷۱	قره میدان - پری خانم
۴۰۸	گردنه شلمی
۴۳۴	بهکده راجی
۴۷۱	جذامیان بهکده
۴۷۴	حرکت از بهکده
۴۸۶	حرکت از آشخانه
۴۹۰	دوستان در تهران
۵۰۳	باز هم بیژن
۵۰۵	بله

## از رفتگان چه مانده است بجز داستانشان

### ماند به روزگار ز ما هم حکایتی

### هر کس به گونه‌ای کند از ما روایتی

(شهریار)

دوستان مرا تشویق می‌کنند. از شازده حمام جلد یک و دو تعریف و تمجید می‌کنند. فهمیدم تعریف و تمجید آن‌ها جدی است. چرا تعریف آن‌ها جدی است؟ چون کتاب را خریدند. کتاب را به دوستان خود هدیه دادند. حالا چاپ دهم جلد اول و دوم تمام شده است. من هم تشویق شدم و جلد سوم را نوشتم. راستش جلد سوم مثل جلد اول و دوم نیست. اگر نمی‌خواهید آن را نخوانید.

یک همشهری خوش صدا و خوش ادا تلفن کرد. گفت حسین آقا خودتان هستید؟ گفتم بله. با کلی آدرس قوم حویش در آمدیم. خیلی خیلی از کتاب شازده حمام تعریف کرد. گفت پدر بزرگش کتاب را خریده و خوانده است. او به همه بچه‌ها عروس و دامادها و نوه‌ها سفارش کرده کتاب شازده حمام را بخوانند. آن خانم گفت او نفر سی و هشتم از فامیل است که دارد کتاب را می‌خواند. پرسیدم از کجا می‌داند که نفر سی و هشتم فامیل است که دارد کتاب را می‌خواند؟ گفت پدر بزرگش گفته است هرکس کتاب را می‌خواند اسمش را در صفحه سفید اول کتاب بنویسد. اسم او شماره ۳۸ را دارد. از این همشهری نازنین پرسیدم امری فرمایشی باشد در خدمت هستیم. گفت حسین آقا همین صفحه ۱۴۱-۱۴۲ کتاب پاره شده است، من یک شماره فاکس به شما می‌دهم. شما این دو صفحه را برای من فاکس کنید. خوب من خیلی خوشحال شدم که همشهری‌های من هم کتاب می‌خوانند و هم هنوز صرفه‌جو هستند. آن چنان شاد شدم که نوشتن جلد سوم را آغاز کردم.

در سال ۱۳۹۱ مادرم ۸۸ سال دارد. البته وقتی پای سن و سال به میان می‌آید، مادرم صوری صحبت می‌کند که انگار ۵ سال قبل از من به دنیا آمده است. خودش می‌گوید موقع ازدواج ۱۶-۱۵ سال داشته است. ۸ سال بعد از ازدواجش مرا به دنیا آورده است. خدا را شکر، در ۸۸ سالگی روحیه‌اش خیلی خوب است. مادرم هر روز بعد از ظهر از یزد به من تلفن می‌کند. اصرار دارد خودش به من تلفن کند. تقریباً هر روز مواظب خورد و خوراک من هست. هر روز می‌گوید سردی نخور. کاهو، کلم، ماست و به‌خصوص گوشت گاو نخور. معتقد است سردی برای من سم است. مدام می‌گوید تو بچه تریاک هستی. پدرت تریاکی بوده است. آدمی که نطفه تریاک است سردی، به‌خصوص گوشت گاو نباید بخورد. من هم گاهی سر به سرش می‌گذارم، می‌گویم امروز گوشت گاو همراه با ماست و سالاد کاهو، کلم و خیار سبز خوردم. او می‌گوید مادر «نا، نا» این‌ها را نخور، سردیت می‌کند. عصبی می‌شوی. کنترل از دستت در می‌رود. تو هم که اهل دعوا نیستی، قلمت را برمی‌داری و روی کاغذ هر چه دلت می‌خواهد می‌نویسی. مادرم راست می‌گوید. اگر من توی این جلد خاطراتی نوشتم که عده‌ای خوششان نیامد، تقصیر سردی است. هر چه نوشتم مربوط به سردی است. زیر سر خیار سبز، ماست و گوشت گاو است. البته سعی می‌کنم آن قدر سردی نخورم که فلج شوم. خودتان که بهتر می‌دانید برای رفع سردی باید نبات خورد. نبات یزد هم یکی از بهترین نبات‌های دنیا است. مادرم هر روز می‌گوید بنویس یزدی‌ها خیلی آدم‌های خوبی هستند. خیلی خیرند. ۵۰ سال قبل آقای هراتی، رسولیان و صراف‌زاده در سرمای زمستان به مردم لحاف و تشک و ذغال می‌دادند. مادرم می‌گوید بنویس آقای حاج محمد حسین برخوردار، مسجدی به آن خوبی ساخت. بنویس آقای رسولیان در تهران برای دانشجویان خوابگاه ساخت. حاج محمد صفار روضه‌خوانی‌ها می‌کرد. آسید محمد آقا آب شرب شهر را مجانی می‌داد، بعد هم حسینیه‌ای عالی ساخت. بنویس آقای کراوغلی رئیس کارخانه اقبال بود و به کارگران می‌رسید. بنویس آقای مسعودی آب انبار ساخت. آقای سید محمود عاشق مدینه هم بانی شد و آب انباری ساخت. بنویس خان بهادر چه کارهای خوبی کرد. بنویس خانواده‌های امین و گرامی و آگاه چه خدمات مهمی به یزد و